



با پذیرش جنسیت مندی نفس، در تمام نقشه‌ای اجتماعی و فرهنگی و تربیتی تحول عظیمی اتفاق خواهد افتاد و تفاوت‌های زنان و مردان لحاظ خواهد شد تا جامعه با این ویژگی‌های زنانه همسو و همراه شود

جنسیت نفس چیست؟

ضرورت بررسی جنسیت مندی نفس انسان

زینب تاجیک

پژوهش‌گر پژوهشکده زن و خانواده

بحث از جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی نفس از مباحث مهم فلسفی-کلامی مرتبط با مسائل زنان است که حل بسیاری از سؤالات در این حوزه در گرو پاسخ به این مسأله است. به طور مثال پیش‌فرض فمینیسم لیبرال برای طرح برابری جنسیتی این است که زن و مرد کاملاً تشابه و وجودی دارند و هرگونه تمایز ذاتی را منکر می‌شوند. در نگاه باورمندان به این دیدگاه اختلافات زنان و مردان فقط در بدن مادی آنها و خصوصیات بیولوژیکی خلاصه می‌شود و اگر زنان و مردان از جهت احساسات و تمایلات و عقلانیت و... اختلافاتی دارند تماماً بر ساخته فرهنگ و اجتماع و تربیت جامعه مردسالار است. در فلسفه و کلام اسلامی حقیقت و هویت انسان، نفس یا ترکیب نفس و بدن است. بحث از تفاوت‌های جنسیتی زمانی کامل خواهد شد که به بررسی جایگاه این تفاوت‌ها در نفس انسان نیز بپردازیم. اهمیت موضوع حاضر در این است که با یافته‌های این تحقیقات داوری منصفانه‌تر، روشن‌تر و کارآمدتری درباره احکام متفاوت زنان و مردان و همچنین جایگاه اجتماعی متناسب با تفاوت‌های جنسیتی خواهیم داشت. در چند شماره تلاش داریم، درباره ابعاد مختلف این مبحث سخن بگوییم؛ در این یادداشت به عنوان مقدمه ضرورت پرداختن به موضوع جنسیت مندی نفس مورد توجه قرار گرفته است.

از سؤالات مهم مرتبط با این بحث که باید پاسخ داده شود این است که، آیا امکان دارد زنان و مردان دارای یک ذات و نفس کاملاً مشابه و مشترک باشند اما شاهد رفتارها، گرایش‌ها و تفاوت‌های جدی جنسیتی در آنها نیز باشیم؟

اگر تفاوت‌های جنسیتی هیچ جایگاهی در نفس و روح زنان و مردان نداشته باشد یعنی نفس انسان از آغاز خلقت جنسیت مند نبوده و یا در زمان تصرف در بدن مادی و تدبیر آن خصوصیات جنسیتی را نپذیرد، تمام اختلافات جنسیتی فقط در حد جسم و بدن مادی تنزل پیدا خواهد کرد و با بر ساخته فرهنگ و اجتماع و تربیت جامعه مردسالار خواهد بود. در این صورت تکلیف تفاوت‌های اخلاقی که در متون دینی برای زنان و مردان بیان شده است چه خواهد شد؟ زیرا طبق مبانی اخلاق اسلامی جایگاه اخلاق در انسان‌ها، نفس و روح آنها است تا جایی که که برخی از بزرگان علم اخلاق موضوع این علم را نفس انسانی دانسته‌اند. با عدم پذیرش جنسیت مندی نفس امکان تحلیل صحیح و روشن اختلافات اخلاقی زنان و مردان وجود نخواهد داشت. با انکار تفاوت‌ها در ساحت نفس و روح زنان و مردان اختلافات اخلاقی جایگاه خود را از دست خواهند داد و جامعه به سمت انکار این اختلافات حرکت خواهد کرد. ممکن است باورمندان به این نظریه از یک جامعه بدون جنسیت یا آندروژنی طرفداری کنند اما در عمل چنین چیزی ممکن نخواهد بود و نتیجه‌ای جز مردواره شدن زنانگی به همراه نخواهد داشت که در این جامعه قطعاً زنان و زنانگی‌شان بزرگ‌ترین آسیب را خواهند دید و با جامعه‌ای مردساخته که در آن تمام ویژگی‌های مرد، اصل و برتر است مواجه خواهیم بود. در چنین جامعه‌ای حتی زنان به دیده حقارت به خصوصیات و ویژگی‌های زنانه نگاه خواهند کرد و زنانگی در این جامعه از بین خواهد رفت.

از نکات مهم دیگری که با بررسی جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی نفس می‌توان به نگاه عمیق‌تری درباره آنها رسید، تفاوت در برخی از احکام مرتبط با زنان و مردان است. عدم پذیرش جنسیت مندی نفس سبب می‌شود تنها حکمت این احکام در زمان و مکان و شرایط خاصی تنزل پیدا کند که نتیجه‌ای جز موقتی بودن دین به همراه نخواهد داشت. اما با پذیرش جنسیت مندی نفس ریشه اصلی این اختلافات به نفس و روح زنان و مردان برمیگردد و امکان داوری روشن‌تر و کارآمدتری را برای تحلیل این اختلافات فراهم خواهد کرد. تبیین دقیق‌ترین اختلافات نیز در گرو همین بحث است. اگر تمام اختلافات زنان و مردان را فقط در جسم و بدن مادی محدود کنیم مجبور می‌شویم برای فهم بسیاری از آیات و روایات متفاوت در این زمینه دست به تأویل بزنیم؛ اما اگر از نظر فلسفی ثابت شود که اختلافات زنان و مردان بسیار گسترده‌تر از بدن عنصری و مادی است و صرفاً بر ساخته فرهنگ و تربیت و جامعه نیست و آیات و روایات هم از این نظریه پشتیبانی کنند به فهم عمیق‌تری از این اختلافات خواهیم رسید. امتداد اجتماعی این موضوع نیز بسیار مهم و حائز اهمیت است. با پذیرش جنسیت مندی نفس، در تمام نقش‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی تحول عظیمی اتفاق خواهد افتاد و تفاوت‌های زنان و مردان لحاظ خواهد شد تا جامعه با این ویژگی‌های زنانه همسو و همراه شود. مثلاً اگر ثابت شود قوای نفس نیز جنسیت مند هستند تأثیر این موضوع در تقسیم نقش‌های اجتماعی و حتی طی کردن مراتب کمال و... نیز مؤثر خواهد بود. تأثیر جنسیت بر سلوک نیز متوقف بر بررسی جنسیت مندی نفس است زیرا این نفس و روح انسان است که قرار است مراحل سلوک را طی کند. باید دید چه عوامل فرهنگی، اجتماعی، تربیتی و... به سلوک زن بیاورن کمک بیشتری می‌کند و چه عواملی باعث کند شدن این حرکت می‌شود. اگر اختلافات زنان و مردان در بدن مادی و عنصری خلاصه شود طرح این مباحث هیچ جایگاهی نخواهد داشت و مورد غفلت قرار خواهد گرفت و نتیجه آن فرودستی زنان در امور معنوی نیز خواهد بود. صحبت کردن از خوانش‌های زنانه در موضوعات مختلف نیز کاملاً وابسته به بررسی جنسیت مندی نفس است زیرا طبق مبانی اکثر متکلمان امامیه مدرک حقیقی در انسان، نفس است و بدن تنها زمینه‌های لازم برای این ادراک را فراهم میکند. در چه صورتی می‌توان از معرفت‌شناسی، اخلاق، معرفت دینی و فلسفه‌های زنانه نگر دفاع کرد؟ در صورتی که اختلافات جنسیتی را به حاق وجود زنان و مردان نیز سرایت دهیم. اگر کسی قائل شد که نفس زنان و مردان هیچ اختلافی ندارند، باب گفت‌وگو درباره نگاه‌های زنانه و خوانش‌های زنانه را به طور کلی بسته است. شمایی توانید در شماره بعد ایران جمعه ادامه این مطلب را بخوانید.